

## ریشه های پیدایش نگاره دایره بالدار

(بخش دوم: در جستجوی دایره های بالدار)

نوشته: فرناز کارن (ا.پ.)

Email: s\_farnabaaz2006@yahoo.com

http://www.ariaramnes.blogspot.com

شاید این سخن گزافه نباشد که هیچ نشانی به اندازه دایره بالدار در فرهنگ و اندیشه های مردمان گوناگون شناخته شده نبوده و چنان است که که امروزه نیز در زندگی بشر مدرن در نشانه ها و آرملهای گوناگون سازمانها و شرکتها نیز دیده می شود. این دایره اسرارآمیز بالدار چیست و چه اندیشه ای در پشت آن نهفته بوده که اینهمه کاربرد داشته است؟

نگاره دایره بالدار (winged disk)، نمای دایره یا حلقه ای است که دو بال گشوده در دوسوی آن دیده شده است. این دایره چنان نمایان است که گویی بالهای خود را باز کرده و در آسمان در پرواز است. در نخستین نگاه به آن آدمی به یاد پرنده ای مانند شاهین بزرگ افتاده که بالهای خود را در آسمان گشوده است. پس این نگاره در میان مردمان و اندیشه های گوناگون، با پرواز و «بلند مرتبگی» و اندیشه آسمانی بودن در پیوند بوده است.

در نگاهی دیگر، دایره میان این نگاره، اندیشه تنها گوی زرین و درخشان آسمان یعنی خورشید را به ذهن می آورد. پس اندیشه نمایان سازی نگاره دایره بالدار، پرواز به سوی آسمان، رسیدن به خورشید و یکی شدن با او بوده و دایره میان آن نماد این گوی زرین درخشان است.

بر همین پایه نگاره دایره بالدار را نگاره «خورشید بالدار» (winged sun) نیز می نامند و نیز می بینیم که در آثار برجای مانده این نگاره از فرهنگهای گوناگون، دایره بالدار بر فراز افراد، بالای سردر دروازه و بالای دیوارهای کاخها، آرامگاهها، پرستشگاهها و مهرها و نه هم تراز مردم یا بخش پایینی سازه ها دیده و نمایان بوده و گویی از آسمان مردمان و شاهان را می نگرند!

با این پندار ساده و اینکه در اندیشه انسانها، آسمان و خورشید دارای مفهوم هایی مانند «خداوندی»، «بلندپایگی»، «خوشبختی»، «زندگی» و هرآنچه که برای آنها آرمان بوده است، می توان دریافت این نگاره بالدار در اندیشه های ملت های کهن دارای پیامهایی چون «سروری»، «شکوه و جلال»، «نیروی جهانی»، «پادشاهی»، و ... بود. چنین است که اندیشه پیدایش دایره بالدار در هنر کهن، ویژه یک ملت و یک فرهنگ نیست، که آرمانی بوده که در اندیشه کنجکاو انسانها جای داشته و تنها هنر نمایان سازی و پیکره نگاری آن بسته به هنر و اندیشه یک فرهنگ، از فرهنگی کهن تر به فرهنگی نوین تر الگوبرداری شده است.

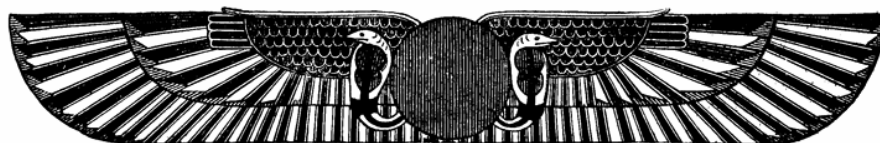
نگاره دایره بالدار در تمدنهای خاور نزدیک، نخستین بار در مصر باستان پدیدار شد و سپس با برپایی دیگر تمدنهای خاور نزدیک، هنر نمایش آن بر روی سنگها، دیوارها یا مهرها از مصر باستان به آن تمدنها الگوبرداری شد.

کهن ترین نشان یافت شده از این نگاره در مصر باستان به سده 26 پیش از میلاد تعلق دارد. همچنانکه اسرارآمیز بودن آسمان و پاکی خورشید و زندگی بخش بودن آن در اندیشه مصریان باستان نمودار گشت و آنها خورشید و دیگر پدیده های اسرارآمیز را در آن روزگار، نیرویی جادویی و خدایی پنداشتند، این نگاره بالدار به «هوروس» (Horus) خدای خورشید در مصر باستان تعلق یافت و ویژه پادشاهان گشت.

درون نوشته های مقدس هیروگلیف نام این نگاره «بهَدِتِی» (Behedet) نوشته شده است که نوشتاری است مصری و معنی آن «او با بالهای رنگارنگ» است. زیرا در این سرزمین، نمای این دایره بالدار را رنگارنگ (رنگهای سرخ، آبی آسمانی و بنفش) می ساختند. نگاره دایره بالدار مصری دارای دایره ای در میان بالهای گشوده یک شاهین بود. در مصر شاهین نماد همان هوروس خدای خورشید بود که در آثار برجای مانده او را به شکل موجودی با تن انسان و سربک شاهین نیز نمایش داده و یا آنرا به شکل شاهینی که بالها و سینه خود را بر سر فرعون خوابانده و تاج او را در آغوش گرفته است نیز نمایش می دادند. بالهای

شاهین مصری دارای سه بخش بود. بخشی دارای پرهای ریز و دو بخش دیگر دارای پرهای بزرگ. بردوبال گشوده، یک نواری کوچک به شکل کمان نیز دیده می شد که نماد دستان هوروس بود که بالهای خود را با آن دستان گشوده است.

نگاره بالدار مصری دارای دو مار کبرا نیز در دوسوی دایره بود. گویی که آنها دایره (خورشید) را دربرگرفته و به آن پیچیده اند. مصریان باستان این دو مار را «ایارت (Iaret)» همان «آرائوس (Uraeus)» (نماد پادشاهی، شکوه و قدرت می پنداشتند. پس از آنجا که خود دایره و بالهای دوسوی آن، نماد بلندپایگی و روشنایی بود، می توان پنداشت که نمایش مارهای همراه دایره که هماهنگ با نمایش مار آرائوس بر تاج فرعون های مصر بود، با شکوه و بزرگی خورشید و نیز پادشاهی در پیوند بوده است.

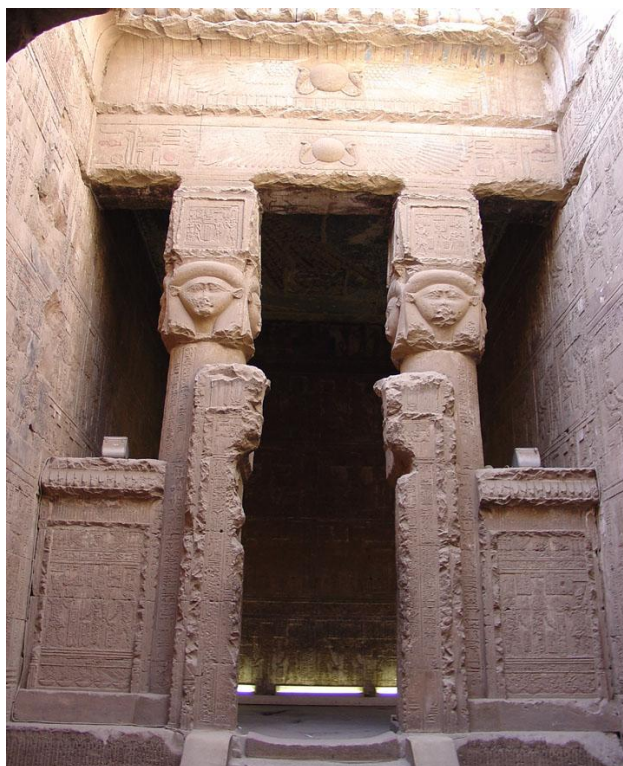


در هنر پیکره نگاری مصری، بالهای شاهین را در دوسوی دایره نمایش می دادند اما دم و پاهاى شاهین معمولاً نمایش داده نمی شد. تنها هنگامیکه خود هوروس را به شکل یک شاهین نمایش می دادند، او را به شکل شاهینی با بالهای باز و همراه با پاها و دم آن نمایش می دادند.



آنچه که آشکار است، برای پیدایش نگاره بالدار مصری، اسطوره ای وجود دارد. نوشته های هیروگلیفی که بر دیوارهای پرستشگاه «دفو (Edfu)» در مصر بالا و در دلتای نیل دیده می شود و همچنین نگاره های روی دیوارهای آن، داستان پیدایش دایره بالدار را برای میان می گویند. پرستشگاه ادفو ویژه پرستش هوروس بود و نگاره دایره بالدار در جای جای آن با شکوه و زیبایی هرچه بسیار (بویژه در سردر پرستشگاه) دیده می شود.





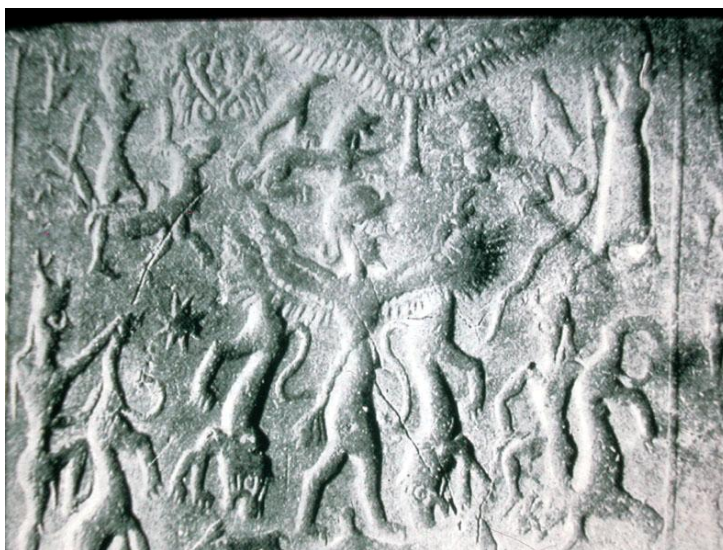
در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد پادشاهی «هوریان» (Hurrians) در شمال میان رودان و در میان دو رود دجله و فرات پدیدار گشت. جنگهایی که پادشاهی همسایه آن (یعنی هیتی ها) با بابلیان و آشوریان نموده بودند و همچنین یورش «کاشی» ها (Kassites) به بابل فرصتی مناسب را بدست میتانی ها گذاشت تا پادشاهی خود را سازماندهی نموده و گسترش دهند.

نام این پادشاهی هوری در نوشته های میخی هیتی ها، KUR<sup>URU</sup> mi-it-ta-ni یا همان «میتانی» نوشته شده و با آن شناخته شده است. با گسترش سرزمین های در فرمان در سده 14 پ.م، گستره پادشاهی آنها دربرگیرنده سراسر جنوب شرق ترکیه کنونی، شمال سوریه تا شهر «حلب» کنونی و شمال عراق امروزی شد. میتانی ها مردمانی بودند که گمان می رود پادشاهان، درباریان و جنگجویان آنها «هندواروپایی» بودند. نام میتانی نخستین بار در یادواره های جنگهای سوریه (1480 پ.م) نوشته شده و نام خدایان در پرستش آنها آشکارا دارای ریشه «هندوآریایی» و زبان آنها یکی از شاخه های هندواروپایی بوده است.

آنها در روزگار پادشاهی بنام «شوتارنا» (Šuttarna) در نخستین سالهای سده چهاردهم پ.م در اوج نیرو و مرزهای گسترده بودند، چنانچه همسایگان آنها دولتهای آشور، هیتی ها و حتی مصر دارای دادوستد دوستانه و پیوندها سیاسی با آنها بوده و از آنها حساب می بردند. شوتارنا نامی است که احتمال دارد دارای پیوند با ریشه ایرانی «خَشَثَر» به معنی شهر باشد. سرانجام پس از چند درگیری با فراعنه مصر بر سر بدست گرفتن سوریه، دولت میتانی پیمان نامه ای را با مصر به امضا رساند و پس از آن بود که شوتارنا دختر خود را برای ازدواج با «آمنهوتپ سوم» (Amenhotep III) روانه مصر ساخت.

یک مهر بدست آمده از زمان شوتارنا ما را از نمایش دایره بالدار در میان میتانی ها آگاه می سازد. در کنار این مهر به خط میخی نام «شوتارنا پسر کیرتا شاه میتانی» نوشته شده است. دایره بالدار میان بالها به شکل یک چرخ ارابه دیده شده و سبک نمایش این دایره بالدار آشکارا با گونه مصری خود (یعنی پِهدتی) متفاوت است. در نگاه نخست به این مهر چنین دیده می شود که این دایره بالدار همچون درفشی بر روی یک پایه قرار گرفته و دوشیر به همراه دو شاهین نشسته بر پشت آن شیرها در زیر آن دیده می شود. نمایش دایره بالدار در این مهر آشکار است که نمایش گونه ای شکوه و جلال شاهانه بوده و شاه میتانی این درفش دایره بالدار را همیشه همراه خود داشته است.





درمهری دیگر که از میتانی ها برجای مانده است، دو موجود بالدار که در دو سوی پایه ای که دایره بالدار بر آن سوار است، زانو زده اند. دایره بالدار نمایش داده شده در این مهر از گونه دایره بالدار مصری تاثیر پذیرفته است. در اینجا نیز دایره نمایش داده شده به شش بخش تقسیم شده و همچون مهر بالا این دایره به یک چرخ ارابه مانند است.



بطور کلی در هنر نمایش پیکره ها در این دومهر میتانی، هنر پیکره نگاری آناتولی و نمایش موجودات افسانه ای، نمایان است. میتانی ها در روزگار پسان تر بدست پادشاهی هیتی ها ناتوان و دست نشانده آنها شده و گنجینه های آنها به پادشاهی نوین انتقال یافت. هیتی ها مردمانی بودند که به زبانی از شاخه های هندو اروپایی سخن می گفتند و از سده 18 پ.م یک پادشاهی مستقل را در مرکز آناتولی و شمال دریای مدیترانه پی ریزی نموده بودند. نام پادشاهی آنها در نوشته های میخی برجا مانده از آنها <sup>URU</sup>ha-at-ti نوشته شده است.

هیتی ها پیشگامان بکارگیری آهن به صورت صنعتی بوده و بیشترین نیرو و گستره پادشاهی آنها نیز مدیون بکارگیری آهن بوده است. آنها در تاریخ به توانایی در ساخت و کاربرد ارابه ها نامور شده و سپاه آنها دربرگیرنده ارابه های جنگی بسیاری بود که در دشتهای باز توانایی آسیب رساندن به دشمن را دارا بود. توان و گستره پادشاهی هیتی ها در سده چهاردهم پ.م به اوج خود رسیده و پادشاهی آنها دربرگیرنده آناتولی، شمال غرب سوریه، دهانه رود لیتانی و شمال میان رودان بود. نزدیک به سال 1300 پ.م گسترش پادشاهی هیت ها تا به آنجا رسید که آنها با مصریان همسایه شدند. برخی کشمکش ها بر سر مشخص شدن مرزها به ایجاد درگیری و سرانجام نبرد «کادش» (Kadesh) در سال 1274 پ.م انجامید.

هیتی ها در نبرد کادش که در روزگار پادشاهی بنام «مواتالی» (Muwatalli) و «رامسس دوم» (Ramesses II) در مصر و در کرانه رود «ارونتس» (Orontes) درگرفت با نمایش توان ارابه های جنگی خود نیروهای مصری را شکست دادند. نبرد کادش بزرگترین نبرد ارابه های جنگی در تاریخ است که در آن نزدیک به 3000 ارابه هیتی و 2000 ارابه مصری با

هم درگیر شدند. این نبرد آدمی را به یاد نبرد تانکها در العلمین مصر که در سال 1942 میان نیروهای آلمان نازی به فرماندهی مارشال رومل و نیروهای انگلیسی به فرماندهی ژنرال مونتگومری درگرفت، می اندازد.

آنها سرانجام در سده های پایانی هزاره دوم پیش از میلاد پس از کشمکش های داخلی و یورشهای مردمی که به «مردم دریا» نامور بودند، ناتوان شده و تا سال 1160 پ.م به پادشاهی های کوچکی بنام «نوهیتی» *Neo-Hittite* تقسیم شدند که بیشتر آنها دست نشاندۀ آشوریان بودند.

هیتی ها به خدایان گوناگون پدیده های طبیعی باور داشته که بسیاری از باورهای آنها با باورهای میتانی ها یکسان بود. نیز بسیاری از خدایان و آیین های آنها برگرفته از آداب و رسوم تمدنهای میان رودان مانند سومر و بابل بوده است. شاید شمار خدایانی که آنها می شناخته و می پرستیدند بیش از هزار بود. از خدایان مشهوری که نام آنها در سالنامه ها، یادواره ها و پیمان نامه های هیتی آمده است می توان به «آلاو» (*Alalu*) «خدای آسمان»، «تشاب» (*Teshub*) «خدای توفان یا هوا»، خدای آب و... بودند. خدایان آنها به دو گروه نرینه و مادینه دسته بندی می شدند. «آرینا» (*Arinna*) «الهه خورشید»، «هاناهانا» (*Hannahanna*) «مادر خدایان و «آران زاهاس» (*Aranzahas*) «برادر خدای توفان بود.

گروهی از خدایان هیتی که با خدایان میتانی یکسان بودند، دارای ریشه هندوآریایی بودند. بخشی از پیمان نامه ای که میان «شوپیلولیوما» (*Šuppiluliuma*) «شاه هیتی» و «شاتیاوازا» (*Šattiwaza*) «شاهزاده میتانی بسته شده، یک دید کلی درباره خدایان هیتی که گواهان این پیمان هستند، به ما می دهد:

«خدای توفان، سرور آسمان و زمین، خدای ماه و خدای خورشید، خدای ماه «هاران» (*Harran*)، آسمان و زمین، خدای توفان، سرور... «کاهات» (*Kahat*)، خدای گله های «کورتا» (*Kurta*)، خدای توفان، سرور «اووشومان» (*Uhušuman*)، «آ شاری» (*Ea-šarri*) سرور دانش، آنو، آنتو، انلیل، نینیل، میترا، ورونا، ایندرا، ناساتیا، سرور «واشوکانی» (*Waššukanni*)، خدای توفان، سرور پرستشگاه... «یریت» (*Irrite*)،... ایشتار، ستاره غروب،... کوهها و رودها، خدایان آسمان و خدایان زمین»

در اینجا می بینیم که بیشترین اشاره در این پیمان به خدای توفان، آسمان، زمین، خورشید و ماه بوده و همچنین برای نخستین بار در تاریخ نام خدایان هندو آریایی (میترا، ورونا، ایندرا و ناساتیا) پدیدار گشته است.

یکی از جنبه های گوناگون باورهای هیتی ها، نگرش آنها به خورشید بود. در بیشتر نوشته های هیتی، پادشاه بزرگ هتیت، «خورشید» خوانده می شد:

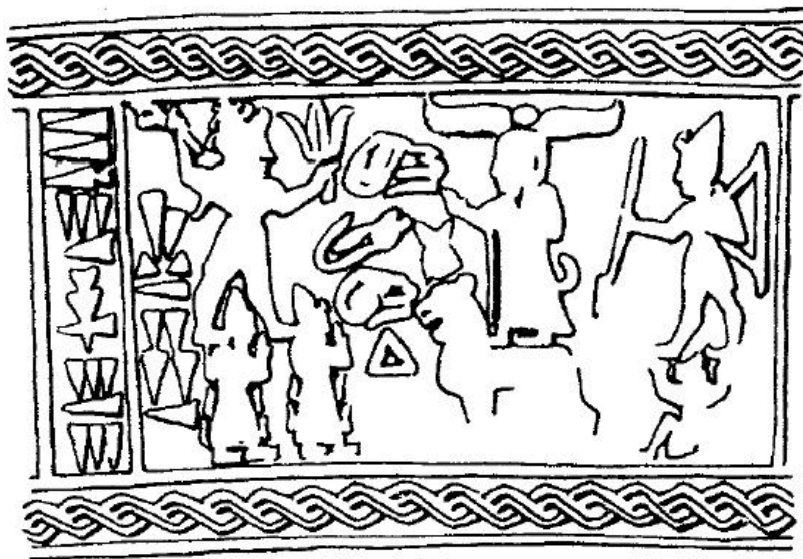
«چنین گوید «مورشیلیش» (*Muršiliš*) خورشید من، شاه بزرگ شاه سرزمین «هاتی» (هتیت)، دلاور، پسر «شوپیلولیوما» شاه بزرگ، دلاور... هنگامیکه من، خورشید، بر تخت پادشاهی پدرم نشستم، حتی پیش از آنکه به سوی کشورهایی که دشمن من بودند بروم، به میهمانی بانوی خود الهه خورشید «آرینا» رفتم... ای بانوی من! الهه خورشید آرینا، کشورهای همسایه خارجی که مرا یک کودک می دانند، با من به نبرد برخاسته اند، پس آنها یورش به مرزهای سرزمین تو را آغاز نموده اند. بانوی من الهه خورشید آرینا! ای بانوی من الهه خورشید آرینا! همراه من باش. این دشمنان خارجی را آسیب رسان. الهه خورشید آرینا ندای مرا شنید! همراه من آمد...»

عبارتی که شاهان هیتی درباره خود بکار می بردند در سنگنبشته های میخی هیتی <UTUŠI> نوشته شده که این نوشته به معنی «مَهِست (علیحضرت)» است. نویسه های میخی این نوشته دربرگیرنده واژه نگار سومری UTU است که در زبان سومری به معنی «خدای خورشید» بوده و نویسه ŠI در زبان اکدی که از واژه Šamš'u باز هم به معنی خدای خورشید است. نویسه های میخی بالا را بروی هم به معنی «خورشید من» یا «مَهِست» برگردان نموده اند.

نگاره دایره بالدار هیتی که به خورشید بالدار اشاره داشت در مهرها و سینه دیوارها و سنگهای دیوارها نمایان است. هرگاه پیکره پادشاه هتیت به نمایش درآمده باشد، خورشید بالدار نیز بالای سر او به پرواز درآمده است.

برروی یک گل نوشته که متعلق به زمان پادشاهی «نیکموبا» (*Niqmepa*) «پادشاه اوگاریت است، اثر یک مهر دیده می شود. گل نوشته متعلق به سده سیزدهم پ.م و پادشاهی رامسس دوم در مصر است. این گل نوشته مربوط به آزادسازی مردی

بنام «یاپاو» (*Yapau*) و پسرانش از بندگی شاه اوگاریت که دست نشانده پادشاهی هتیت ها در ناحیه سوریه بودند، می باشد. هنر نمایش چهره ها در این مهر آشکارا آناتولیایی است و از هنر مصر و یا میان رودان در آن دیده نمی شود. در سوی چپ مهر، خدای توفان بر روی دو نفر که نماد دوکوه هستند دیده شده و در سوی راست پادشاه بزرگ هتیت ها بر روی یک شیر و زیر نگاره دایره بالدار دیده می شود. سبک نمایش نگاره دایره بالدار هتیتی در اینجا بسیار ساده و شامل یک دایره و دو بال است که با توجه به نوشته های هتیتی می توان دانست که به خدای خورشید اشاره دارد.



یک پیکره نگاری کشف شده در منطقه «ساکاگوز» (*Sakcagöz*) در جنوب شرق کوههای توروس در ترکیه، نگاره دایره بالدار را بر سر شاه هتیتی که در حال هنر نمایی و شکار است نمایش می دهد. در اینجا ردپای هنر آشوری در پیکره نگاری هتیتی دیده شده و البته هنر نمایش بالهای دایره بالدار از الگوی سه بخشی بالهای دایره بالدار مصری پیروی نموده است. آشکار است که این دایره بالدار هتیتی نماد همان خدای خورشید است که شاهان هتیتی در گل نوشته های خود را همسان با آن می دانستند.

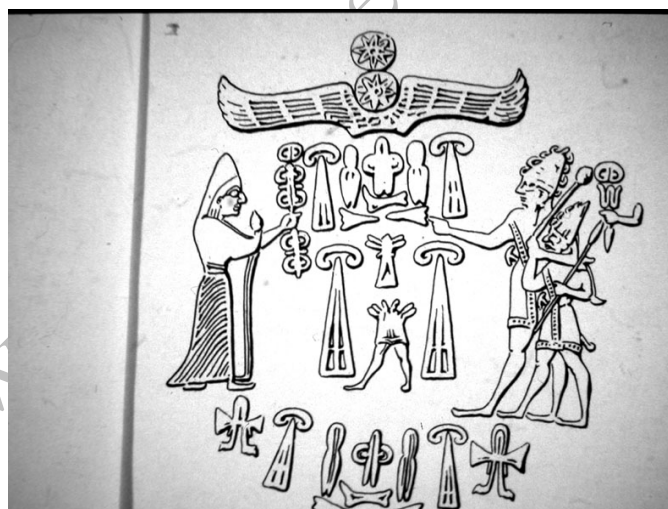


بطور کلی نگاره دایره بالدار هتیتی که به خدای خورشید تعلق داشت، دربرگیرنده یک دایره ساده (نماد خورشید) و دو بال در دوسوی آن بود و هنر نمایش آن از گونه میتانی آن پیروی می کرد. گاهی اوقات دایره میانی، ساده و گاهی این دایره همانند چرخ ارابه یا یک ستاره در میان یک دایره بود.

پسان تر که خط هیروگلیف «لاویان» که دیرینگی آن به 1800 پ.م رسیده در سده چهاردهم پ.م در پادشاهی هتیت ها پراکنده شد، نام «دایره بالدار» هتیتی نیز با این خط نوشته شده و بر مهره و نوشته های هتیت ها نمایان شد. در این خط در اشاره به دایره بالدار، آنرا به شکل یک «کمان» نشان می دادند که درحقیقت این کمان واژه نگاری برای واژه لاویانی SOL SUUS بود که معنی آن «خورشید از خود» است.



یک پیکره نگاری هتیتی با نمایش نگاره دایره بالدار در کاراتپه در ترکیه



اثر یک مهر اوگاریت در پایان عهد برنز

شگفت آور اینجاست که این واژه نگار بر روی دایره اسرارآمیز «فایستوس» (Phaistos) که در سال 1908 در جزیره «کرت» در جنوب یونان پیدا شده و زمان آن به میان سالهای 1850 تا 1600 پ.م می رسد، نیز دیده می شود که دلیلی بر کهن بودن و گستردگی شناخت و نمایش دایره بالدار است.





دایره اسرارآمیز فایستوس (واژه نگار دایره بالدار در دایره راست نشان داده شده است)

گسترده‌گی نمایش دایره بالدار تا بدانجا بود که پسان تر که پادشاهی کوچکی از ارمنیان بنام «بیت باهیانی» (*Bit Bahiani*) در سده دهم پیش از میلاد در منطقه «تل هلف» (*Tell Halaf*) پدیدار گشت، یکی از پادشاهان آن بنام «کاپارا» (*Kapara*) در کاخی که ساخت، نگاره دایره بالدار را نمایش داد که هنر پیکره نگاری آن آشکارا از گونه هیتی آن پیروی می کرد.



گسترده‌گی دایره بالدار چنان بود که می توان ادعا نمود که همه مردمان خاور نزدیک در نیمه دوم هزاره دوم پ.م به بعد آنرا در هنر خود بکار می بردند. مثلاً فینیقی ها و مردم فلسطین این نگاره بالدار را که از هیتی ها و هم از مصریان الگو برداری نموده بودند بر روی سنگهای خود می نگاردند:





یک سنگ فینیقیایی - فلسطینی با نگاره دایره بالدار متعلق به سده هشتم پ.م

عبریان نیز در نزدیک به سده هشتم پ.م این نگاره را بر مهرهای خود به نمایش در آورده آنرا نماد «توان یا قدرت» می دانستند. اندیشه خورشید بالدار در میان آنان چنان بود که در عهد عتیق نیز راه یافت و درباره آن چنین می پنداشتند:

*«اما برای شما که از نام من می ترسید، خورشید دادگستری با بالهای شفافبخشش برخواهد خواست و شما شاد و سبک مانند گوساله هایی که به چراگاه می روند، جست و خیز خواهید نمود» (کتاب ملاکی، 4-2)*

نگاره دایره بالدار در تمدنهای باستانی میان رودان نیز دارای نقشی اساسی بود. پیشتر از این سخن گفتیم که این نگاره با انگاره «خدای خورشید» در تمدنهای مصر باستان و هتیت در پیوند بوده است. یکی از خدایان اصلی سومریان باستان خدای خورشید یا «اوتو (UTU)» بود که دیدیم باور به او به تمدن هتیت ها هم رسید و آنها در نوشته های میخی خود و به هنگام اشاره به خورشید، واژه نگار سومری این خدا را می نوشتند.

در بابل باستان نام خدای خورشید به زبان اکدی «شاماش (Šamaš)» بود که واژه «شمس» تازی از آن گرفته شده است. در بنیادهای اسطوره ای بابلیان شاماش فرزند خدای بنام «سین (Sin)» یا خدای ماه بود که پیشتر در سومر باستان به آن «ننار (Nannar)» می گفتند. این اندیشه اسطوره ای که به گونه ای باور به ماه را پیشگام باور به خورشید می داند از اینجا آشکار می شود که نخستین روش گاهشماری و تقویم ها در سومر باستان تقویم های قمری بودند و ستاره شناسان بابلی پسان تر، با رهگیری حرکت خورشید گاهشمار خورشیدی را جایگزین گاهشمار قمری نمودند.

در باورهای باستانی نماد سین یا خدای ماه مردی با ریش بلند یا یک هلال ماه بود و در گاهشماری بابلی با شماره 30 (همان شماره ماه) شناخته شده بود. پرستشگاه نامی او در شهر «هران (Harran)» همان است که به «اخول خول (E-khul-khul)» نامدار گشته است.

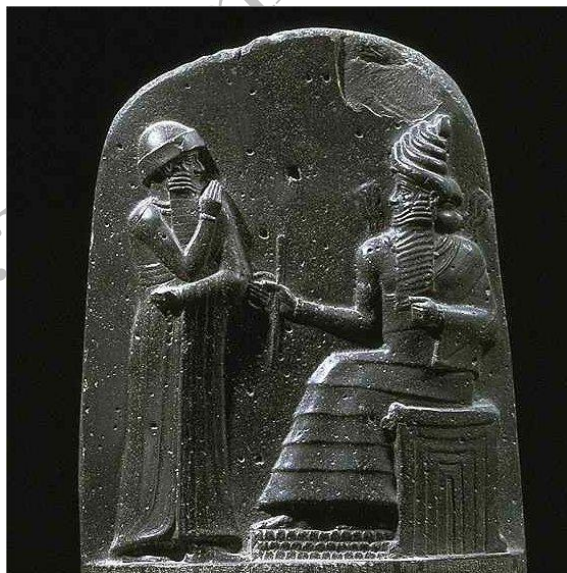
این را باید گفت که در تمدنهای میان رودان و در اندیشه های سومری ها و بابلی ها، ماه با گاو نر در پیوند بوده و هلال ماه را بویژه در هنگامیکه باریک بود به شاخهای گاو تشبیه می کردند.

سین در اسطوره های میان رودان دارای دو فرزند بنامهای «شاماش» و «ایشتر (Ishtar)» بود که ایشتر الهه زمین و شاماش چنانکه گفتیم خدای خورشید. پس خورشید و زمین از اینرو دارای پیوند با یکدیگر بودند. در بابل باستان نماد ایشتر ستاره ای هشت پر بود که در بسیاری از نگاره های بجا مانده این ستاره درون یک دایره بزرگتر دیگر بود و نماد شاماش یک ستاره چهارپر که در میان پره های آن پرتو مواج خورشید در حال درخشندگی است.

شاماش در بابل باستان نگهبان و خدای قانون نیز بود. پس در بسیاری از پیکر نگاری ها او را چون مردی سالمند نمایش می دادند که کلاهی با خطوط موج بر سر دارد و در دست راستش یک حلقه و یک چوب کوچک است و چنان است که با آن حلقه و چماق پاسدار داد و قانون است.

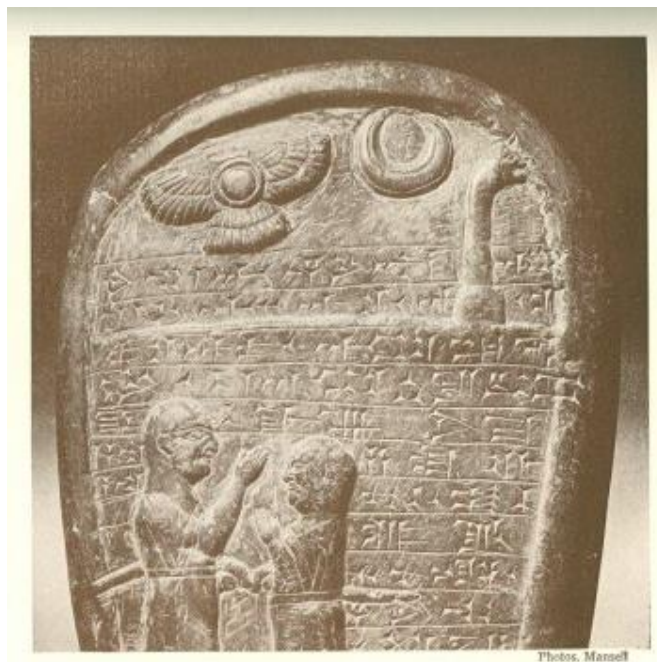


نامدارترین نگاره ای که از شاماش سالمند برجای مانده است همان است که در شهر باستانی شوش یافت شده و به ستون «همورابی» نامدار گشته است. در اینجا همورابی دست راست خود را برای احترام در برابر شاماش که پیرمردی بر تخت نشسته است، بلند نموده و در برابر او ایستاده است. شاماش که از شانه هایش پرتوهای خورشید فروزان است، یک حلقه و چماق (همان قانون) درست دارد و آنرا به همورابی پیشکش می کند. متن کامل قوانین همورابی که در گونه خود یکی از پیشرفته ترین متون حقوقی جهان باستان است در زیر نگاره شاماش و همورابی نوشته شده است.



پسان تر درخشش زرین خورشید، گرمای آن، روشنی بخش بودن و تکرار فصلهای سال بابلیان را برآن داشت تا به خورشید بیش از ماه توجه نشان دهند. گاهشماری خورشیدی جایگزین گاهشماری قمری شد و خدای خورشید جایگزین خدای ماه گشت. نماد دایره چهارپر در نزد بابلیان به یک چرخ ارابه نیز مانند گردید و با گذشت زمان ویژگیهای ماه به خورشید انتقال یافت.

پس چنین شد که نماد خدای خورشید در نزد بابلیان همان دایره شاماش (یا چرخ ارابه) و اینبار همراه با دوشاخ گاونر بر فراز دایره و دوبرال به شکل بالهای گشوده یک شاهین یا دو رود مواج و یک دم در زیر دایره نمایان گشت که در آسمان در پرواز است و بر زمین و مردمان آن می نگرد.



نگاره دایره بالدار بر روی یک ستون سنگی از روزگار پادشاهی «مردوک بالاتسو ایکی»



نگاره دایره بالدار نماد شاماش خدای خورشید، در کنار نماد سین خدای ماه و ایشتر خدای زمین



نمایش نگاره دایره بالدار با پدیدار شدن آشوریان به تمدن و هنر آنان انتقال یافت. خدای بزرگ آشوریان، «آشور» نام داشت که ریشه باور به آن هنوز روشن نیست. آشور بالاترین خدای آشوریان بود که ویژگی بسیاری از خدایان بابلی را مانند سین، بل انلیل، آ، مردوک و شاماش را دارا بود. نام بسیاری از شاهان آشور (مانند آشور نازیرپال، اسرهدون، آشوربانی پال و ...) نشانگر گستردگی پیوند و باور به این خدا بوده است.

نگاره دایره بالدار آشوری نخست همان نگاره دایره بالدار بابلی بود و همیشه همراه با شاه آشور دیده می شد.



پادشاه عبریان که در برابر شالمانسر سوم (824-858 پ.م) به زاری افتاده است به همراه نگاره دایره بالدار

اما با توانا تر شدن آشوریان و تشکیل یک امپراتوری جنگ طلب در نمایش نگاره دایره بالدار آشوری دگرگونی هایی پدیدار گشت. آشور نه یک خدای بزرگ دینی که روح شاه جنگجوی آشوری و در حقیقت خورشید پادشاهی آشور بود.

در اینجا بود که یک دگرگونی در نمایش این نگاره پدیدار گشت و پیکره شاه آشور در همان لباسی که همیشه در تن دارد درون دایره میان دایره بالدار بر فراز شاه یا درخت زندگی دیده شده و نماد آشور سرور خدایان آشوری گشت. در اثر پیکره نگاری، سناخریب (705-681 پ.م) پادشاه آشور درباره خدای خود چنین می گوید:

« به آشور پادشاه همه خدایان، آفرینش خودی او، پدر خدایان که توانایی او از ژرفا آشکار است. پادشاه آسمان و زمین، سرور همه خدایان، ناظر «ایگی» و «نوناک» آفریننده آسمان، آنو و جهان زیر آن، آفریننده انسان، ساکن در آسمانهای درخشان، انلیل خدایان، تصمیم گیرنده سرنوشت ها، ساکن در «ای-شارنا» در آشور، برای سرور او سناخریب، شاه آشور که این نگاه آشور را ساخت.»

یا تیگلات پیلاستر یکم (1114-1076 پ.م)، پادشاه دیگر آشوری درباره او چنین گفته است:

«آشور سرور بزرگ، بزرگترین فرمانروا بر فراز خدایان، بخشنده نیروی پادشاهی و تاج ها، گمارنده پادشاهی، «بل»، سرور، پادشاه چرخ صور فلکی، پدر خدایان، سرور جهان، «سین»، پیشوای سرور پادشاهی، توانمند، خدای فرخنده، «شاماش»، برپاکننده آسمانها و زمین، ...»

آشور خدایی که به باور آشوریان در آسمانهای درخشان ساکن است با نگاره دایره بالدار و همراه شاه آشوری دیده می شد. در پیکره نگاری آشوریان در نمایش دایره بالدار آشوری، آشور در چند حالت نمایش داده شده است:



- همان نگاره دایره بالدار بابلی که آشور در میان آن ایستاده و دست راست خود را بلند نموده و در دست چپش یک حلقه دیده می شود.



- همان نگاره دایره بالدار بابلی یا پیکره آشور در میان دایره در حالی که دست راستش را بلند نموده و در دست چپش یک کمان دیده می شود.



- همان نگاره بالا که آشور در حال کشیدن کمان و تیر اندازی است.



هنوز نمی دانیم که آیا نگاره دایره بالدار در میان مللی که پیش از سازماندهی پادشاهی مادها در ایران می زیستند، نمایان بوده است یا خیر. این احتمال بسیار است که آنها که با تمدنهای میان رودان در پیوند بوده اند، این نگاره را نیز به گونه ای از آنان الگوبرداری نموده بودند. در آثار مربوط به ظروف فلزی که از تپه هایی مانند تپه مارلیک یافت شده هنر آشوری و هیتی آشکارا دیده شده و بالهای نقوش شاهین نیز دیده می شود. پس دور از اندیشه است که پنداریم مردمان ساکن در غرب فلات ایران با این نگاره آشنا نبودند. اما هنوز اثری از آن یافت نشده است.

چنین بود که دایره های بالدار در تمدنهای باستانی بویژه در تمدنهای خاور نزدیک از مصر باستان زاده شد و به مردمان دیگر رسیده تا سرانجام هخامنشیان آنها را از تمدنهای پیش از خود الگوبرداری نمودند.